





...

# ایران! جوان بهمان

چرايي ضرورت افزايش جمعيت

پيرمرد و پيرزن را مي شناسي؟  
حالا پير جمعيت را هم بشناس!

...



سرشناسه: عباسی ولدی، محسن، ۱۳۵۵ -  
عنوان و نام پدیدآور: ایران! جوان بمان: چرایی ضرورت افزایش جمعیت / محسن عباسی ولدی  
مشخصات نشر: قم: آیین فطرت، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۳۷۲ ص. مصور (رنگی)، جدول؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۳۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی، جامعه الزهراء (ع)، ۱۳۹۲.  
یادداشت: کتابنامه  
Overpopulation -- Religious aspects -- Islam موضوع: اسلام -- جنبه های مذهبی  
Families -- Religious aspects -- Islam موضوع: اسلام -- جنبه های مذهبی  
Birth control -- Iran موضوع: ایران -- تنظیم خانواده  
Iran -- Population policy موضوع: ایران -- سیاست جمعیت  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ الف ۲/۱۷/۲۳ BP  
رده بندی دیویی: ۴۸۳۱/۴۸۳۱: ۲۹۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۳۸۷۸۷

### • ایران! جوان بمان! •

نویسنده: محسن عباسی ولدی  
ناشر: آیین فطرت  
مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسی زاده  
تصویرگر: مهدی عزیزی  
گرافیکست و صفحه آرا: سعید صفارنژاد  
ویراستار: سید محمد دلال موسوی

• [www.abbasivaladi.ir](http://www.abbasivaladi.ir) •

ارتباط باناشر: ۰۲۵-۳۳۲۲۱۶۶۲  
سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: عمران  
نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۶  
شمارگان: ۲۲۰۰ نسخه  
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

همه‌انگهی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱  
با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی یا  
ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،  
کتاب را درب منزل تحویل بگیرید.  
• [www.bookroom.ir](http://www.bookroom.ir) •  
سامانه پیامکی: ۰۳۰۰۲۲۰۰۰۰

کلیه حقوق محفوظ است.



هر کدامتان ستاره‌ای هستید از آسمان آویخته .  
زمینِ دلمان با محبت شما آسمان می‌شود؛ دیدنی‌تر از آسمان بالای سرمان .  
بوی عطر موسوی‌تان ، هوای ایران را بوییدنی کرده است .  
دماوند در مقابل شما دست بر سینه ، زانو بر زمین می‌زند .  
خلیج فارس ، شما را که می‌بیند ، آرام می‌گیرد  
و دریای خزر در مقابل شما خود را برکه‌ای بیش نمی‌بیند .  
چقدر بزرگید که سینه دشت‌های پهناورمان  
ظرف قطره‌ای از عظمت شما نمی‌شود!  
توان سلسله جبال البرز و زاگرس را که روی هم بگذاریم  
باز هم تاب تحمل باری را نداریم که از دین شما بردوش داریم .  
ما به بازگاہ شما که می‌رسیم ، چونان طفل از مادر جدا افتاده‌ایم  
که تازه به آغوش مادر رسیده و آرمیده است .  
شما مهمان ما نیستید ، ایران برای شماست .  
ما زیر سقف خانه احسان و کرم شما زندگی می‌کنیم .  
شما رودید که به دریا...؛ نه ، به اقیانوس می‌ریزید .  
اقیانوس شما در مشهد است؛ آرام و آرام بخش .  
ایران بدون شما ، آسمانی بی‌خورشید و ستاره و ماه است .  
اصلاً ایران بدون شما سیاه و بی‌پناه است .  
من با وجود شما ایران را بهشت نقدی می‌دانم  
که خدا پیش از برپایی قیامت در همین دنیا برپا کرده است .  
همه هستی‌مان فدای پدرتان موسی بن جعفر علیه السلام  
که این چنین آسمان سرزمینمان را ستاره باران کرده است .

تقدیم به | همه امام‌زادگان موسوی آرمیده در ایران



## فهرست ایران! جوان بمان!

۱۵ • مقدمه

### بخش اول

#### پیش از این، چه بود؟ (تاریخچه کنترل جمعیت)

- ۲۳ شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، چه شد؟! تاریخچه کنترل جمعیت در ایران
- ۲۴ دلایل کنترل جمعیت در دهه شصت
- ۲۵ الف) افزایش مرگ و میر مادران و نوزادان
- ۲۶ ب) کافی نبودن امکانات کشور برای جمعیت در حال افزایش
- ۲۷ در کجا اشتباه کردیم؟

### بخش دوم

#### پس از این چه می شود؟ (کاهش جمعیت و عواقب سالمندی)

- ۳۷ مگر شرایط امروز با دیروز تفاوت دارد؟ نگاه آینده نگرانه در مسئله جمعیت
- ۳۷ تفاوت جدی وضعیت امروز و دیروزمان
- ۳۸ انفجار سالمندی
- ۴۳ چرا باید از سالمندی جمعیت، نگران باشیم؟
- ۴۳ الف) هزینه نگهداری سالمندان
- ۴۸ ب) کم شدن نیروی کار و در نتیجه، کاهش تولید
- ۵۱ ج) مهاجرت
- ۵۴ د) ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور
- ۵۵ ه) کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

## بخش سوم

### جیب پُرن، فرزند بیشتر؟! (فرزندآوری و مسائل اقتصادی)

- ۶۱ آیا فکری برای اشتغال فرزندان آینده کرده‌اید؟
- ۶۱ نگاه آینده‌نگرانه به کار
- ۶۲ واقعیت مشکل بی‌کاری
- ۶۵ عدم استفاده صحیح از منابع و ظرفیت‌ها
- ۷۰ رابطه جمعیت و اشتغال
- ۷۲ نقش اشتغال زنان در بی‌کاری
- ۷۳ رابطه بی‌کاری و فرزندآوری
- ۷۷ مشکلات اقتصادی و فرزندآوری
- ۷۷ رابطه میان توان اقتصادی و فرزندآوری بیشتر
- ۸۲ مقایسه امروز و دیروز زمان
- ۸۲ تغییر شیوه زندگی
- ۸۴ ایمان به گزاره‌های اقتصادی دینی
- ۸۹ سُنّت‌های خدای مهربان و روزی انسان
- ۸۹ جهان را صاحبی باشد، خدا نام
- ۹۲ نگاه مادی و معنوی به دنیا
- ۹۹ تماس‌های شنوندگان
- ۱۰۳ پاسخ‌های عقلی و علمی، نه قرآنی و حدیثی!
- ۱۰۴ معنای عقلی و علمی حرف زدن
- ۱۰۷ مدینه فاضله
- ۱۰۸ تقوا
- ۱۰۹ اینها داستان است
- ۱۱۰ مسئولیت پدر و مادر
- ۱۱۰ تغییر شرایط
- ۱۱۱ بروید در میان مردم و واقع بینانه حرف بزنید
- ۱۱۱ ما هم در میان شما هستیم
- ۱۱۲ باز هم نوع نگاه ما به زندگی
- ۱۱۴ وای از ناشکری!
- ۱۱۵ کمی هم به فکری‌دیگر باشیم
- ۱۱۹ مصادیق تقوا
- ۱۲۳ رابطه فقر و ایمان
- ۱۲۳ تذکره‌مقدماتی
- ۱۲۴ رابطه فقر و ایمان
- ۱۲۷ فقر مالی، فقر دینی، فقر اخلاقی
- ۱۳۱ فلسفه نعمت در میان کفار



- ۱۳۵ با مسئولان حرف بزنید، نه با مردم
- ۱۳۵ مخاطب اصلی مادر بحث جمعیت، خانواده است
- ۱۳۶ سخنی هم با مسئولان
- ۱۴۱ آرمان‌گرایی بدون توجه به واقعیت‌ها، مساوی با توهم
- ۱۴۱ دیدن همه واقعیت‌ها
- ۱۴۲ تحلیل درست واقعیت‌ها

## بخش چهارم

### خلوت تربیت، تربیت خلوت (فرزندان بیشتر و مسئله تربیت)

- ۱۵۱ فرزندان بیشتر، وقت کمتر
- ۱۵۱ شیوه زندگی و مدیریت زمان
- ۱۵۷ صرفه‌جویی در وقت با فرزندان بیشتر
- ۱۵۷ پاسخ‌گویی به نیاز کودکان با فرزندان بیشتر
- ۱۶۰ تماس‌های شنوندگان
- ۱۶۷ فرزند کمتر؛ تربیت راحت‌تر
- ۱۶۷ کدام تربیت؟
- ۱۷۰ تربیت فرزندان اول، سخت‌ترین مرحله تربیت
- ۱۷۰ معایب تک‌فرزندی
- ۱۷۰ الف) احساس تنهایی
- ۱۷۱ ب) لوس شدن
- ۱۷۱ ج) از دست دادن استقلال شخصیت
- ۱۷۲ د) ضعف داشتن در به کارگیری قانون زندگی
- ۱۷۳ ه) اضطراب شدید پدر و مادر
- ۱۷۴ و) از بین رفتن نسل عمو و عمه و دایی و خاله
- ۱۷۴ ز) خلأ عاطفی
- ۱۷۴ ح) اضطراب و فشار در نگهداری والدین
- ۱۷۴ تماس‌های شنوندگان
- ۱۷۹ ضمانت تربیت؟
- ۱۷۹ نیازمندی‌های تربیت
- ۱۷۹ آگاهی
- ۱۸۱ وقت
- ۱۸۴ حوصله
- ۱۸۷ فاصله میان فرزندان
- ۱۸۹ من بچه دوست دارم؛ اما هنوز من و شوهرم نقص داریم
- ۱۸۹ تأثیر غیر قابل انکار اخلاق پدر و مادر در فرزند

- ۱۸۹ دو بُعد مهم از خودسازی پدر و مادر پیش از تولد فرزند
- ۱۹۱ بچه‌دار شدن با وجود اختلافات زناشویی
- ۱۹۱ پیشگیری
- ۱۹۱ اندازهٔ اختلاف

### بخش پنجم

#### چگونه بودن = چه قدر بودن (جمعیت و شیوهٔ زندگی)

- ۱۹۵ افزایش جمعیت و کمبود منابع طبیعی
- ۱۹۵ اولین بار که این نظریه مطرح شد
- ۱۹۶ اسراف و منابع
- ۲۰۶ ازدیاد جمعیت، راه جلوگیری از اسراف
- ۲۰۷ رزق با خداست
- ۲۱۳ آیا شما با رفاه مخالفید؟
- ۲۱۵ برگردیم به گذشته؟
- ۲۱۷ اشتغال مادران
- ۲۱۷ قناعت، رکن اقتصادی شیوهٔ زندگی دینی
- ۲۱۹ انگیزهٔ مادری کردن
- ۲۱۹ مادری کردن، بهترین شغل عالم
- ۲۲۴ جایگاه مادری
- ۲۲۷ زندگی آپارتمانی و فرزندان بسیار
- ۲۲۹ بالا رفتن سن ازدواج

### بخش ششم

#### چاله‌های راه (فرزند بیشتر و مشکلات خانوادگی و اجتماعی)

- ۲۳۷ ادامهٔ تحصیل و فعالیت اجتماعی با وجود فرزندان
- ۲۳۷ جایگاه مادری در فعالیت‌های اجتماعی
- ۲۳۹ مدیریت تحصیل
- ۲۴۰ نقش عمل در فعالیت‌های فرهنگی
- ۲۴۱ من بچه می‌خواهم؛ اما همسرم حوصله ندارد
- ۲۴۱ رضایت دو طرف
- ۲۴۲ دلایل بی‌حوصلگی
- ۲۴۲ الف) به هم ریختن اولویت‌ها در زندگی
- ۲۴۴ ب) به هم ریختن نظام حساسیت‌ها
- ۲۴۸ ج) بی‌توجهی به کودکی کودک

- ۲۵۰ (د) ضعف رابطهٔ محبت آمیز
- ۲۵۱ (ه) وارد آمدن فشار بیش از اندازه به مادر
- ۲۵۱ ۱. وقت گذاشتن در هنگام حضور
- ۲۵۳ ۲. کم کردن از توقعات
- ۲۵۳ ۳. کمک‌های روحی
- ۲۵۴ (و) عصبی بودن
- ۲۵۵ **رضایت نداشتن پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها**
- ۲۵۶ خطاب به این مادر محترم
- ۲۵۷ فرزندآوری و مسئلهٔ عاق
- ۲۵۸ سخنی با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها
- ۲۶۱ **مخالفت بچه‌های بزرگ‌تر**
- ۲۶۱ حرفی با مردم عزیز ایران
- ۲۶۲ گفتگوی دوستانه
- ۲۶۲ تشکیل جبههٔ متحد
- ۲۶۳ **ازدواج با خانوادهٔ پُر جمعیت**
- ۲۶۳ دلیل عدم تمایل به ازدواج با خانواده‌های پُر جمعیت
- ۲۶۵ ازدواج با خانواده‌های پُر جمعیت و فرهنگ‌سازی
- ۲۶۵ نگران فردا نباشید
- ۲۶۶ راه اصلی فرهنگ‌سازی
- ۲۶۹ **حرفی هم با صاحب‌خانه‌ها**
- ۲۷۳ **با طعنه‌های مردم، چه کنیم؟**
- ۲۷۳ توجه به ملاک ثابت در زندگی
- ۲۷۶ سخنی با مردم
- ۲۸۱ **جنسیت فرزند**
- ۲۸۱ ابراز تأسف از وجود افکار جاهلی
- ۲۸۳ روایات در بارهٔ دختران

## بخش هفتم

### در چشم خدا (دین و فرزندآوری)

- ۲۸۹ جایگاه فرزندآوری در اسلام
- ۲۸۹ هدف زندگی
- ۲۹۰ بچه‌دار شدن، نیازی غریزی
- ۲۹۱ اصالت رفاه، یکی از دلایل بی‌انگیزگی
- ۲۹۳ روایاتی در بارهٔ فرزند و فرزنددار شدن
- ۲۹۹ احادیثی در بارهٔ فرزندآوری کمتر

- ۳۰۵ فتنه بودن فرزند از نگاه قرآن
- ۳۰۹ بچه‌های بیشتر، عبادت کمتر
- ۳۰۹ معنای حقیقی عبادت
- ۳۱۱ جایگاه محبت به فرزندان در معنویت
- ۳۱۴ عبادت کردن و عابد پرورش دادن

### بخش هشتم حرف‌های پایانی

- ۳۱۷ الان چند تا بچه؟
- ۳۱۷ چند نکته مقدماتی
- ۳۱۷ ۱. حداقل غیرقابل اغماض
- ۳۱۷ ۲. توجه به ناباوران
- ۳۱۸ ۳. توجه به کسانی که تمایلی برای داشتن فرزند دوم ندارند
- ۳۱۸ ۴. توجه به آمار کسانی که ازدواج نکرده‌اند
- ۳۱۹ ۵. فرصت استثنایی
- ۳۲۰ تعداد حداقلی
- ۳۲۳ با مردم میهنم
- ۳۲۷ با پدران و مادران
- ۳۲۹ با دست اندر کاران فرهنگی
- ۳۳۰ سخنی با مجلس و دولت
- ۳۳۱ سخنی با رسانه‌ها
- ۳۳۱ سخنی با جوانان حزب اللهی

### بخش نهم ضمائم

- ۳۳۷ ضمیمه یک
- ۳۳۷ سخنان مقام معظم رهبری در باره جمعیت
- ۳۳۷ در جمع مسئولان نظام، ۱۶ مردادماه ۱۳۹۰
- ۳۳۷ در جمع مسئولان نظام، ۳ مردادماه ۱۳۹۱
- ۳۳۹ در جمع مردم خراسان شمالی، ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱
- ۳۴۰ در جمع جوانان خراسان شمالی، ۲۳ مهرماه ۱۳۹۱
- ۳۴۰ در جمع مدآحان، ۱۱ اردی بهشت ماه ۱۳۹۲
- ۳۴۱ در جمع مسئولان نظام، ۳۰ تیرماه ۱۳۹۲
- ۳۴۲ در جمع دست اندر کاران «همایش ملی تغییرات جمعیتی» ۶ آبان ماه ۱۳۹۲

- ۳۴۵ در جمع اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ آذرماه ۱۳۹۲
- ۳۴۵ در دیدار مسئولان جمعیت مامایی کشور، ۱۵ اردی بهشت ماه ۱۳۹۳
- ۳۴۵ در جمع نمایندگان مجلس، ۴ خردادماه ۱۳۹۳
- ۳۴۶ در جمع نمایندگان مجلس خبرگان، ۱۳ شهریورماه ۱۳۹۳
- ۳۴۷ در جمع مردم در حرم مطهر رضوی، ۱۰ فروردین ماه ۱۳۹۴
- ۳۴۷ در جمع مسئولان نظام، ۲۵ خرداد ۱۳۹۵
- ۳۴۸ سیاست های کلی جمعیت ابلاغی توسط مقام معظم رهبری  
۳۰ اردی بهشت ماه ۱۳۹۳
- ۳۵۱ **ضمیمه دو**
- ۳۵۱ **مصاحبه با سرکار خانم دکتر لتاف**
- ۳۶۴ **ضمیمه سه: اطلاعات آماری**
- ۳۶۶ ترکیب جمعیتی ایران بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵
- ۳۶۷ وضعیت ثبت موالید در کشور (مطابق با آمار ۱۳۹۴)
- ۳۶۹ **منابع**



## • | مقلمه

ایران عزیزم، سلام!  
امیدوارم امروز، سرحال تر از همیشه باشی و سایهٔ دماوند استوارت،  
گسترده‌تر از دیروز، بالای سرمان باشد و ستون خیمه‌های  
حسینی‌ات، همچنان، تکیه‌گاه مردم این مرز و بوم بماند.  
تورا دوست دارم، به پهنای کویرلوت و دشت کویرت، و به  
عمق خلیج همیشه فارس‌ت. دوستت دارم به بلندای قلّه‌های البرز  
و زاگرس و به زلالی آب دریای خزرت.  
تورا دوست دارم ای خانهٔ مهر علی علیه السلام و ای آشیانهٔ محبت  
فاطمه علیها السلام. جای جای تو برای من، دنیا دنیا خاطره است. از  
شلمچه‌ات بوی عاشقی به مشام می‌رسد و خرّمشهرت مرا به یاد  
خون‌هایی می‌اندازد که بر زمین ریخته شد تا تو همیشه آسمانی  
بمانی. تنگهٔ هرمز را دوست دارم از آن رو که دشمنانت را به تنگ  
آورده و استخوانی در گلوی آنان شده.  
ایران من! همیشه خدا را شکر می‌کنم آن روزها که تورا تنگهٔ تگه  
می‌کردند، دست اجانب، شکست و مشهد را از تو جدا نکردند؛ چرا که قلب  
عرشی تو در مشهد می‌تپد و قلب ما به عشق قلب تو، شوق تپیدن دارد.

ایرانِ دوست‌داشتنی! اگر از احوال من خواسته باشی، ملالی نیست، جز غصهٔ پیری تو. شنیده‌ام رو به پیری می‌روی ایران! راست می‌گویند؟ من همیشه ایران را جوان دیده‌ام و صلابت جوانی اش، قوت قلبم در معرکهٔ سختی‌ها و میدان‌های بلا بوده است. تو اگر پیر شوی، تکیه‌گاه می‌خواهی و چگونه دیگر می‌توان به تو تکیه داد؟ ای عزیزتر از جان، ایران!

تو سال‌هاست که با اتکا به جوانان به خدا تکیه کرده‌ات، بی آن که دستی بر شانهٔ اغیار گذاشته باشی، محکم و استوار روی پایستاده‌ای و حاصل ایستادگی‌ات، دندان‌های به هم فشردهٔ دشمنانی است که صلابت و اقتدار تو، شادی ایامشان را به عزا و شیرینی قدرتشان را به تلخی بدل کرده است.

ایران من! ما تا به امروز به پهناور بودن تو می‌بالیدیم؛ اما کسانی که برای تو دندان تیز کرده‌اند، می‌گویند وقتی تو پیر شوی، دریدن و بلعیدن، آسان می‌شود. از همین روست که دشمنانت، چشم‌انتظار پیری تو نشستند و لحظه‌ها را یکی پس از دیگری می‌شمردند تا کمر خم کنی و آنها نیز شمشیر از غلاف، بیرون کشند و ... نه! گفتنش هم دل دریا می‌خواهد که من ندارم.

ایران عزیز! راست است که می‌گویند اگر پیر شوی، باید دروازهٔ کشورمان را به روی دیگران، باز کنیم؟ بگذار مانند بچه‌ای که بهانه کرده و آرام نمی‌گیرد، بگویم: نمی‌خواهم! نمی‌خواهم! نمی‌خواهم که غریبه‌ها بیایند گلیم ما را از آب، بیرون بکشند. مگر ما مرده‌ایم؟ پس عزت‌مان چه می‌شود؟ مگر فرهنگمان را از سر راه آورده‌ایم که با مهاجرت غریبه‌ها به کشورمان، چوب حراج بر آن بزنیم؟



عزیز دلم ایران! ما فرزندان جوان تویم که همیشه به نام تو بر دیگران، فخر فروخته و با پرچمت در همه عالم، دور پیروزی زده ایم. اندیشمندان ما می گویند: اگر جوانان این مرز و بوم می خواهند ایرانشان برای همیشه جوان بماند، باید بر فرزندانیشان بیفزایند و این برای ما، میدان جدید مبارزه است. مبارزه که همیشه با تیر و تفنگ نیست. امروز، میدان مبارزه مان، پشت پا زدن به رفاهی است که بدان خو کرده ایم. دنیا یادش هست که در میدان جنگ هشت ساله، جوانانی جولان دادند که پیش از آن، حتی یک روز تجربه جنگ نداشتند و امروز هم جوانان ما به زودی این میدان را شناخته، میاندار این مبارزه خواهند شد.

خانه همیشگی من ایران! خم به ابرو نیاور که جانم به درد می آید. آسوده خاطر باش که ما فرزندان تو نمی گذاریم قامتت از فرط پیری خم شود. فرزندان که خدا به ما خواهد داد، نمای زیبا و دل ربای تو را همیشه جوان نگاه می دارند و جوانی رخسار تو، جان دشمنانت را از تن به در خواهد کرد.

ما به همه دنیا ثابت خواهیم کرد که ایرانی جماعت، وارث رحمت نبوی، غیرت علوی، شهامت فاطمی، سیاست حسنی و شجاعت حسینی است و همیشه پرچم پنج تن آل عبا علیهم السلام را بر فراز آسمان ایران، برافراشته نگاه خواهد داشت. پس ایران! جوان بمان!



چند سالی می شود که طنین یک هشدار به گوش بسیاری از ما رسیده است: «پیری جمعیت ایران». مطابق با آمارهای علمی،

پیری جمعیت، تهدیدی برای قرن‌های بعدی نیست. این تهدید در همین چند دهه آینده، گریبانگیر ما می‌شود و بسیاری از میان‌سالان ما آن را خواهند دید.

همه کارشناسان جمعیت می‌گویند: برای جلوگیری از تهدید پیری جمعیت، مردم باید به فرزندآوری بیشتر، روی بیاورند. هم‌زمان با طرح این هشدار و توصیه به مردم برای فرزندآوری بیشتر، سؤالات بسیاری در ذهن مردم، شکل گرفته است. این سؤالات، موجب می‌شود که مردم، انگیزه‌ای برای فرزندآوری بیشتر، پیدا نکنند.

برنامه «پرسمان تربیتی خانواده» در «رادیو معارف»، با درک اهمیت این مسئله، به مدت ۲۱ هفته موضوع برنامه خود را به پاسخ‌گویی به پرسش‌های مردم در این باره، اختصاص داد. استقبال کم‌نظیر شنوندگان از این بحث، ضرورت ماندگار کردن آن را دوچندان کرد. از همین رو، مجموعه مباحث این برنامه‌ها در کتابی به نام **ایران! جوان بمان!**، گرد آمد.

اکنون این کتاب پس از ۲۱ بار چاپ، با ویرایشی مجدد، افزودن مطالبی جدید و تصویرهایی متناسب با موضوعات مطرح شده، تقدیم شما می‌شود.

در این جا بر خود لازم می‌دانم که از همه شنوندگانی که صبورانه بحث را پیگیری کردند و با پیامک‌ها و تماس‌های خود، موجب شدند ابعاد مختلف این موضوع به بحث گذاشته شود، تشکر کنم. از منتقدانی هم که بر سر ما منت گذاشتند و با انتقادهای خود به پُربارتر شدن برنامه و گشودن زوایای جدید در این بحث، کمک

ویژه‌ای کردند، نهایت تشکر را دارم. کارشناسانی هم که چه در پشت صحنه و چه در برنامه، به یاری ما آمدند، سهم فراوانی در اِقناع مخاطبان داشتند. بنده از طرف همهٔ شنوندگان برنامه، از آنها تشکر می‌کنم.

دوست عزیزم جناب آقای محزون، مدیر وقت کل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت ثبت احوال، از همان ابتدا که «پرسمان تربیتی خانواده» این موضوع را آغاز کرد، مستندترین و به روزترین آمار جمعیتی را در اختیار بنده قرار دادند که در ملموس کردن مطالب برنامه و قانع کردن مخاطبان، نقش ویژه‌ای ایفا کرد. خانم دکتر لباف، متخصص زنان و زایمان و نازایی نیز با حوصله‌ای مثال زدنی به پرسش‌های پزشکی ما در بارهٔ بارداری پاسخ گفتند که مورد استقبال ویژهٔ مخاطبان، قرار گرفت. بنده از طرف همهٔ شنوندگان «رادیو معارف» و مخاطبان این کتاب، از این دو بزرگوار، تشکر می‌کنم.

«دبیرخانهٔ شورای عالی انقلاب فرهنگی» در میانهٔ راه، منابعی را در اختیار بنده گذاشت که در مسیر مستند نمودن و پُربار کردن برخی از قسمت‌های کتاب، کمک شایانی نمود که تشکر از این نهاد فرهنگی را نیز وظیفهٔ خود می‌دانم.

در پایان نیز از همهٔ دوستان خودم در «رادیو معارف» که صبورانه اجازه دادند ۲۱ برنامهٔ «پرسمان تربیتی خانواده» به این موضوع اختصاص یابد، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

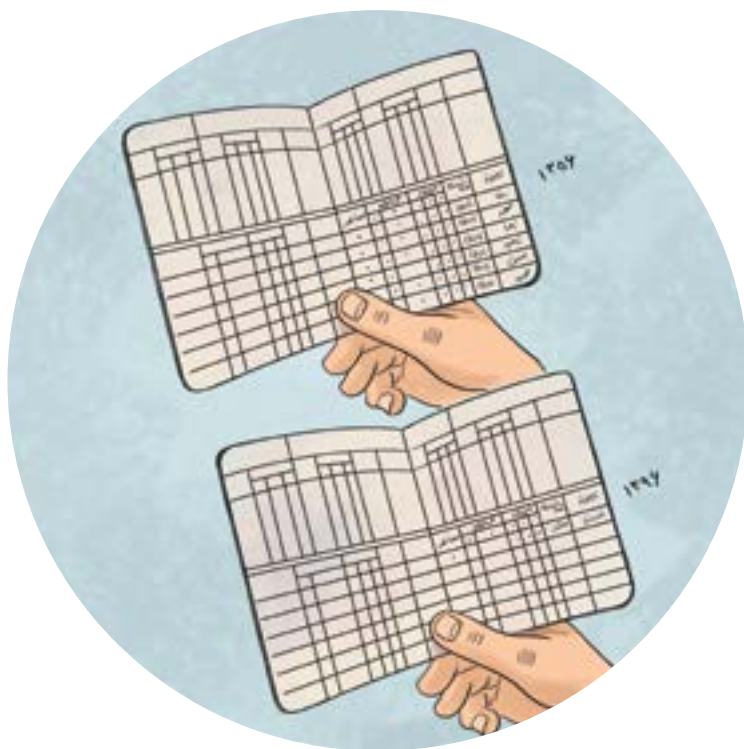
**ایران! جوان بمان!** بر آن بوده که در حدّ توان به همهٔ سؤالات موجود در بارهٔ این موضوع، پاسخ دهد؛ اما ادّعا ندارد که حقّ مطلب

را ادا کرده باشد. اظهارنظرهای شما خوانندگان گرامی می‌تواند ما را  
در رفع معایب و کاستی‌های این نوشتار، یاری نماید.  
سامانهٔ پیامکی ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰، آمادهٔ دریافت پیامک‌های  
شماست. ما را از نظر، پیشنهاد و انتقاد خود، محروم نفرمایید.

قم، شهر بانوی کرامت  
مرداد ماه ۱۳۹۶  
محسن عباسی ولدی

## بخش اول

### • پیش از این، چه بود؟ •



### (تاریخچه کنترل جمعیت)

امروز، دیروز فرداست. از گذشته عبرت بگیر، تا فردا حسرت امروز را نخوری.



## ● | شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، چه شد؟!

○ ما بیش از بیست سال از رادیو و تلویزیون شنیدیم، بیش از دو دهه در روزنامه‌ها و مجلات خواندیم و در کلاس‌های مدرسه و دانشگاه به ما گفتند: «فرزند کمتر، زندگی بهتر!». حالا چه شده که درست، در جهت عکس آن، شعار می‌دهید و می‌گویید: «اشتباه کرده‌ایم»؟ کدام یک: «فرزند کمتر، زندگی بهتر» یا «فرزند بیشتر، زندگی بهتر»؟

قبل از پاسخ به این پرسش، بیان یک تذکر را لازم می‌دانیم. برای این که ما بتوانیم آنچه را در آینده جامعه اتفاق می‌افتد، درک کنیم، باید پای آمار را به میان بکشیم. بدون دقت کافی روی آمار، بسیاری از هشدارهایی که در این کتاب داده می‌شود، بی‌معنا خواهد شد. برخی از نگرانی‌های بی‌مورد هم با توجه به آمار، از بین خواهد رفت. از همین رو، شاید قسمت‌های ابتدایی کتاب برای کسانی که تا کنون با بحث‌های آماری سروکار نداشته‌اند، کمی خسته‌کننده باشد؛ اما امیدواریم این صفحات را با حوصله، مطالعه کنید تا زمینه تفاهم میان شما و کتاب، برقرار شود.

## تاریخچه کنترل جمعیت در ایران

برای پاسخ به این پرسش، بهتر است ابتدا، نگاهی به تاریخچه کنترل جمعیت در ایران در برهه زمانی پس از انقلاب بیندازیم.<sup>۱</sup>

•••

پس از انقلاب اسلامی، رشد جمعیت، شتاب گرفت؛ چنان که در بازه ده ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، نرخ رشد سالیانه جمعیت،<sup>۲</sup> به ۳٫۹۱ درصد نرخ باروری کلی رسید که البته ورود مهاجرانی از همسایگان شرقی و غربی، بخشی از این افزایش را توضیح می‌دهد. پس از سرشماری سال ۱۳۶۵ بود که کارشناسان جمعیت و بهداشت، نسبت به انفجار جمعیت، هشدار دادند و مسئولان کشور را برای پیگیری سیاست «تحدید جمعیت»،<sup>۳</sup> قانع ساختند. از این رو، در سال ۱۳۶۸ در متن برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به برنامه مهار جمعیت، توجه شد و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه نیز پُررنگ‌تر، پیگیری شد.

بر اساس بند «ج» قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تصویب شده ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ که به تصویر کلان برنامه می‌پردازد، خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور، به این شرح به تصویب رسید:

---

۱. پیش از انقلاب هم تلاش‌هایی در جهت کنترل جمعیت انجام گرفت؛ اما موفقیت‌آمیز نبود.

۲. نرخ رشد سالیانه، به میزان جمعیتی می‌گویند که در یک سال به جمعیت یک کشور افزوده می‌شود. مثلاً اگر جمعیت کشوری صد میلیون و نرخ رشد آن هم یک باشد، معنای آن این است که پس از یک سال، یک میلیون نفر به جمعیت این کشور، افزوده خواهد شد.

۳. محدود کردن جمعیت.



بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید، از ۶٫۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه بارداری یک زن در سال ۱۳۶۵ به چهار نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳٫۲<sup>۱</sup> به ۲٫۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو، کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲٫۳ درصد در سال ۱۳۹۰، مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور، خواهد بود.<sup>۲</sup>

•••

## • دلایل کنترل جمعیت در دهه شصت

شنیدن دلایل مشخص و جزئی اجرای سیاست‌های تحدید نسل از زبان دکتر علیرضا مرندی، وزیر بهداشت وقت، قابل توجه است. همان طور که می‌دانید، ایشان، یکی از فعال‌ترین افراد در زمینه سیاست‌های تنظیم خانواده و کنترل جمعیت بود. دکتر مرندی، در یکی از مصاحبه‌های خود،<sup>۳</sup> به دلایل ضرورت کنترل جمعیت در دهه شصت، اشاره می‌کند.

---

۱. نرخ رشد جمعیت در آن زمان، ۳٫۹ بود؛ اما این نرخ با احتساب مهاجرانی بود که در آن دهه، آمار فراوانی را به خود اختصاص داده بودند. نرخ رشد جمعیت، بدون در نظر گرفتن آمار مهاجران، ۳٫۲ بود.

۲. تحولات جمعیتی ایران، ص ۱۲.

۳. هفته نامه ۹ دی، شماره ۶، ۱۴ مردادماه ۱۳۹۱.

### الف) افزایش مرگ و میرمادران و نوزادان

در آن زمان، آمار مرگ و میر نوزادان و مادران، به شدت بالا بود. مرگ مادران، بیش از ۲۵۵ در یکصد هزار تولد زنده و مرگ بچه‌های زیر پنج سال هم ۱۷۳ در هزار بود. حالا این را با آمار امروز، مقایسه کنید که ظاهراً نسبت ۲۱-۲۲ یا هجده در صد هزار است.<sup>۱</sup>

در هر جامعه‌ای معمولاً آمار بالای مرگ و میر در میان نوزادان و مادران، به جهت عدم وجود امکانات بهداشتی و نداشتن برنامه منظم در باروری مادران است. یکی از کارهایی که در این زمان انجام شد، آموزش مادران بود. در این آموزش‌ها به مادران گفته می‌شد که فاصله میان بارداری‌ها را طوری تنظیم کنید که بدنتان، آمادگی پذیرش فرزند بعدی را داشته باشد و بچه به این راحتی سقط نشود.

### ب) کافی نبودن امکانات کشور برای جمعیت در حال افزایش

امکانات آن روز کشور، کفاف جمعیت ما را نمی‌داد. اگر روند افزایشی جمعیت، همان طور پیش می‌رفت، کشور از نظر آموزشی، تغذیه، اشتغال و در نهایت از نظر امنیتی، دچار مشکل می‌شد.

در چنین شرایطی، امام خمینی علیه السلام در واکنشی به دغدغه‌های دکتر مرندی، این چنین می‌گویند:

---

۱. براساس یکی از آخرین آمارهایی که در این زمینه منتشر شده، امروز آمار مرگ و میرمادران بر اثر عوارض بارداری و زایمان از هر صد هزار، ۲۰،۳ و آمار مرگ و میر نوزادان، ۱۵،۷۴ در هر هزار تولد است (خبرگزاری مهر، ۳ مردادماه ۱۳۹۲).

...

مطلب تنظیم خانواده آقای مرندی، مطلب خیلی مهمی است و این مطلب، بایستی در رسانه‌ها و در دانشگاه‌ها مورد بحث قرار بگیرد.<sup>۱</sup>

...

### • | در کجا اشتباه کردیم؟

با توجه به آنچه دکتر مرندی گفته‌اند، در شرایط خاصی، مسئولان نظام با در نظر گرفتن برخی از مصالح عمومی کشور، به این نتیجه رسیدند که باید سیاست محدود کردن فرزندآوری در کشور، اجرایی شود.

این که آیا اصل این سیاست، حتی با در نظر گرفتن همان مصالح مقطعی درست بود یا نه، بماند؛ اما در این تردیدی نیست که مصالح مقطعی، باید سیاست مقطعی داشته باشد؛ ولی ما برای یک مصلحت مقطعی، سیاستی بدون حد و مرز را اجرا کردیم که بدون تردید، اشتباه بزرگی بود.<sup>۲</sup>

---

۱. از آنچه امام علیه السلام فرمودند، بر نمی‌آید که ایشان با اجرایی شدن این سیاست، موافقت کرده باشند؛ بلکه دستور دادند که در باره این طرح، بحث شود.

۲. دکتر مرندی: «بنده با این که آن زمان مسئول [کنترل] جمعیت نبودم؛ اما چون در شروع این موضوع نقش داشتم، احساس گناه می‌کنم. با این که جمعیت‌شناس نیستم؛ اما ناراحتم که چرا آن رصدی را که ایشان (امام خمینی علیه السلام) فرمودند، انجام ندادم و با این که امام علیه السلام مشکل شرعی برای این قضیه نمی‌دیدند؛ اما احساس گناهم در من وجود دارد» (خبرگزاری فارس، ۹ اسفندماه ۱۳۹۳).

برای درک این اشتباه، خوب است یک بار دیگر نگاهی به برنامهٔ اول توسعه بیندازیم. در این برنامه برای اولین بار پس از انقلاب، به صورت رسمی در زمینهٔ کنترل جمعیت، چشم‌اندازی برای جامعهٔ ما در نظر گرفته و تبیین و هدف‌گذاری شد. همان طور که پیش از این هم گفته شد، در سال ۱۳۶۸، در بخش اول از بند «ج» قانون برنامهٔ اول توسعه، خطوط کلی سیاست محدود کردن فرزندآوری در کشور، این‌گونه تبیین شده بود که نرخ باروری از ۶٫۴ نوزاد به ازای هر زن در سن باروری، به چهار نوزاد در سال ۱۳۹۰ برسد. این هدف در سال ۱۳۷۱ محقق شد؛ یعنی هدفی که بنا بود ۲۳ سال بعد به دست بیاید، سه سال بعد، جامعهٔ عمل پوشید. هشت سال پس از آن، یعنی در سال ۱۳۷۹ نیز به نرخ ۲٫۱ فرزند رسیدیم.

نرخ ۲٫۱ فرزند را «سطح جانشینی جمعیت» می‌گویند؛ یعنی وقتی به ازای هر پدر و مادری، دو فرزند وجود داشته باشد، این دو فرزند، جانشین پدر و مادر می‌شوند. در نتیجه، وقتی پدر و مادر از دنیا می‌روند، هر کدام برای خود یک جانشین خواهند داشت. آن یک دهم اضافه را هم برای مرگ و میرهای غیرطبیعی در نظر گرفته‌اند. در این شرایط، در طی دو نسل، جمعیت، تثبیت می‌شود. دکتر نیکولاس ابرشتات، از محققان «انستیتو انترپرایز» آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «کاهش باروری در جهان اسلام، تغییری فاحش که در کمال تعجب، کسی متوجه آن نشده است»، می‌گوید:

•••

کاهش نرخ باروری در ایران طی سی سال گذشته، حیرت‌انگیز و



در این تردیدی نیست که مصالح مقطعی، باید سیاست مقطعی داشته باشد؛ ولی ما برای یک مصلحت مقطعی، سیاستی بدون حد و مرز را اجرا کردیم که بدون تردید، اشتباه بزرگی بود.



معادل هفتاد درصد، بوده است. این میزان، یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر! بوده است.<sup>۱</sup>



کاهش نرخ باروری،<sup>۲</sup> همچنان ادامه پیدا کرد تا این که در سال ۱۳۹۰ به نرخ باروری ۱٫۶ رسیدیم. نرخ رشد جمعیت هم که بنا بود از ۳٫۲ درصد به ۲٫۳ درصد برسد، در سال ۱۳۹۰ به ۱٫۲۹ درصد رسید. برای این که سرعت اعجاب‌انگیز کاهش نرخ باروری را خوب درک کنیم، باید به این مقایسه توجه کنیم: در سه دهه گذشته، نرخ باروری کلّی در جهان، نزدیک به ۳۳ درصد و در جهان اسلام، نزدیک به ۴۱ درصد کاهش داشته؛ اما نرخ باروری کلّی در ایران، هفتاد درصد کاهش یافته است.<sup>۳</sup>

بنا بر آنچه گفته شد، ما برای حلّ یک مشکل مقطعی، یک برنامه مقطعی ریختیم؛ اما کمی هول شدیم و به قدری در تبلیغاتمان زیاده‌روی کردیم که چند فرزند داشتن را به یک ضدّ ارزش و فرزند کم داشتن را به یک ارزش، تبدیل کردیم. این بزرگ‌ترین اشتباه ما در اجرای آن سیاست‌های جمعیتی بود.

همه کسانی که در سیاست‌های جمعیت، دخیل بودند، قبول دارند که دلیل اجرای این سیاست‌ها، زشت و ناپسند بودن اصل زاد و ولد نبود؛ بلکه دلیل اصلی آن، شرایط خاصّ جامعه بود؛ اما

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مشرق نیوز، ۱۱ فروردین ماه ۱۳۹۲.

۲. نرخ باروری به متوسط تعداد نوزادانی می‌گویند که هر زن در سنّ باروری به دنیا می‌آورد. طبق تعاریف بین‌المللی، زنان پانزده تا ۴۹ سال هر جامعه‌ای، زنان در سنّ باروری محسوب می‌شوند.

۳. تحولات جمعیتی ایران، ص ۳۸.

تبلیغات رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، فرزنددار شدن را تبدیل به یک ضد ارزش و فرزند کمتر داشتن را تبدیل به یک ارزش کرد؛ ارزشی که نشان از فرهنگ بالای خانواده کم جمعیت و ضد ارزشی که نشان از پایین بودن فرهنگ خانواده پُر جمعیت دارد. بدون تردید، این یک اشتباه بزرگ بود. بزرگ بودن این اشتباه هم به جهت فرهنگ ساز بودن آن است. وقتی مسئله‌ای تبدیل به فرهنگ شد، به راحتی قابل بازگرداندن نیست. ما در آن دوره، مراقب نبودیم و بحث زاد و ولد را تبدیل به یک ضد ارزش کردیم. یادمان رفت که مردم را به گونه‌ای آگاه کنیم که همه بدانند اصل زاد و ولد، نه تنها بد نیست؛ بلکه خوب هم هست؛ اما حالا چند وقتی از این چیز خوب دست بر می‌داریم تا از یک شرایط بحرانی عبور کنیم.

همان طور که گفته شد، اصل سیاست کنترل جمعیت، موقتی بود؛ اما چرا تبلیغات برای فرزند کمتر و تأمین هزینه‌های آن توسط دولت، همچنان ادامه داشت؟ در آن دوره، به جهت نبود یک نهاد رصد کننده راهبردی جمعیت، نظام، از روند سریع کاهش جمعیت، عقب ماند.<sup>۱</sup> این، اشتباهی است که عالی رتبه‌ترین مقام سیاسی کشور که در رأس حکومت قرار دارد، آن را به صراحت، بیان کرده است.

•••

یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله تحدید نسل، از اواسط دهه هفتاد به این طرف

---

۱. روزنامه ایران، ۲ مهرماه ۱۳۹۱ (به نقل از دکتر محمد جواد محمودی، رئیس وقت مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه).

باید متوقف می‌شد؛ البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود؛ لیکن از اواسط دهه هفتاد، باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این، اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیم‌اند، خود بنده حقییر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد. نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم - من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم - کشور، پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند، نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست.<sup>۱</sup>

•••

امروز برخی به جای این که فکر خود را مشغول پیدا کردن راه‌حل‌هایی برای جبران این اشتباه کنند، آن راه به چوبی برای سرزنش این و آن تبدیل کرده‌اند و دائم به دنبال مقصر می‌گردند.

•••

از اشتباه، می‌شود پله‌ای ساخت برای بالا رفتن، می‌شود ریسمانی بافت برای پایین رفتن. برای بالا رفتن از اشتباه، باید آن را پذیرفت. انکار، اشتباه را می‌کند همان ریسمان. اشتباه را باید دید و راه جبران‌ش را یافت تا بالا رفت. نشستن و تماشا کردن اشتباه و لب‌گزیدن پای آن، ریسمان پایین رفتن را بلندتر می‌کند. تا وقتی که اشتباه، امید را زیر پایش له نکرده، همیشه می‌توان منتظر بالا رفتن بود؛ اما اگر اشتباه، حلقوم امید را بُرید، ریسمان پایین

---

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم استان خراسان شمالی، ۱۹ مهرماه ۱۳۹۱.



رفتن هم بُریده می‌شود و پرت می‌شوی در چاهی که آخرش پیدا نیست.

یادت باشد گاهی در معرکهٔ یک اشتباه، به دنبال مقصّر که می‌گردد، تا مقصّر را پیدا کنی، تیغ اشتباه، تو و مقصّر را با هم از دم خود می‌گذراند. دغدغهٔ تو قبل از هر چیز، باید ساختن سدی در مقابل سیل اشتباه باشد.

•••

وقتی واقعیت‌ها نشان می‌دهد که ما در آینده‌ای نه چندان دور، دچار پیروی جمعیت می‌شویم و دنیایی از مشکلات به سویمان خواهد آمد، دیگر نباید اشتباه گذشته را پتکی کرده، بر سر یکدیگر بکوبیم. از گذشته باید عبرت گرفت؛ اما نباید در آن متوقف شد.



## بخش دوم

### • پس از این چه می شود؟ •



### (کاهش جمعیت و عواقب سالمندی)

آینده از آن چیزی که گمانش را می کنیم به ما نزدیک تر است.  
حواسمان باشد که خیلی زود دیر می شود.